



وصایای امام باقر علیه السلام

به جعفری جابر بن یزید



حسن اردشیری لاجیمی



خویش وصایایی بیان فرموده‌اند که در جای‌جای کتب حدیثی ما به یادگار مانده است.^۲ به سبب اهمیت این روش تربیتی، علمای بزرگ اسلام نیز، این روش و منش را ارج نهاده و خود نیز در این مسیر گام نهاده‌اند. وصایای سید بن طاووس رحمته الله، آیت الله

یکی از سنتهای حسنه که در قرآن کریم نیز مشاهده می‌شود، وصیت و پند به فرزندان و همه آن کسانی است که امید می‌رود هدایت یابند و مسیر سلوک و تعالی را درست پیمایند؛ مانند وصایای حکیمانه لقمان حکیم^۱ که نمونه و سرمشقی برای رسول گرامی اسلام در وصیت و سفارش به عبدالله بن مسعود و ابوذر غفاری شد.

اهل بیت علیهم السلام نیز با تاسی به این سیره نورانی، برای فرزندان و صحابه

۲. مانند وصایای حضرت امیر علیه السلام به امام حسن علیه السلام. رک: نهج البلاغه، ترجمه دشتی، نامه ۳۱، ص ۵۱۹ و وصایای امام باقر علیه السلام به جابر

قَوْلِكَ وَإِنْ خَطَبْتَ لَمْ تُزَوِّجْ؛^۱ ای جابر! از مردم دورانت، پنج چیز را غنیمت شمار:

۱. اگر حاضر باشی، تو را شناسند؛

۲. اگر ناپیدا شوی سراغ تو را نگیرند؛

۳. اگر در انجمن باشی، [از تو رأی نخواهند و] با تو مشورت نکنند؛

۴. اگر سخنی بگویی، گفته‌ات را نپذیرند؛

۵. اگر زنی را خواستگاری کنی به تو ندهند.»

امام در این قسمت از گفتارشان با برشمردن عیوب اجتماع و رفتارهای عمومی مردم، خواست تا بدین طریق جامعه‌الگو و پویا را معرفی کند؛ جامعه‌ای که دارای عیوب فوق نباشد.

مرعشی نجفی رحمته الله و حضرت امام خمینی رحمته الله از این گونه‌اند.

در این مقال گذری هر چند کوتاه به یکی از وصایای نورانی امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش، جابر بن یزید جعفی، خواهیم کرد.

الف. آسیب شناسی رفتار مردم

امام باقر علیه السلام وصایای خویش را با نگاهی آسیب شناسانه و نقادانه به اجتماع عصر خویش و همه اعصار بیان می‌دارد. آن حضرت با برشمردن سوء رفتارهای موجود در میان مردم، دل نگرانیها و نارضاایتی‌اش را از اجتماع موجود بیان می‌دارد. با کمی دقت درمی‌یابیم که این عیوب در اکثر جوامع، حتی عصر ما نیز موجود است که باید اصلاح شود.

امام باقر علیه السلام به جابر فرمود:

«يَا جَابِرُ اَعْتَمِمْ مِنْ اَهْلِ زَمَانِكَ خَمْسًا
 اِنْ حَضَرْتَ لَمْ تُعْرِفْ وَ اِنْ غَيْبْتَ لَمْ تُنْفَقَدْ وَ
 اِنْ شَهِدْتَ لَمْ تُشَاوِرْ وَ اِنْ قُلْتَ لَمْ يُقْبَلَ»

۱. تحف العقول، حسین بن شعبه الحرانی، تصحیح

علی اکبر غفاری، ترجمه آیت الله کمره‌ای، تهران،

انتشارات اسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۶۶ش، ص ۲۹۱

برخورد با مردم] به پنج چیز وصیت می‌کنم:

۱. اگر بر تو ظلم و ستمی شد، تو ستم مکن؛
۲. اگر به تو خیانت کردند، تو خیانت نکن؛
۳. اگر تکذیب شدی، غضب مکن؛

۴. اگر مدح شدی، شاد شو؛

۵. اگر نکوهش شدی، بی‌تابی مکن.»

ج. چگونگی برخورد با شایعات

یکی از معضلاتی که در اجتماع می‌تواند خطر آفرین باشد، رواج شایعات و سخنان بی‌پایه است که کارکردی بس خطرناک دارد. امام باقر علیه السلام نسخه‌ای را برای نحوه مواجهه با شایعات در اجتماع مورد نظر ارائه می‌دهد که دستور العملی بسیار کارگشاست. آن حضرت فرموده است:

البته این گفتار امام علیه السلام از جهتی دیگر، بسیار دردناک است، و آن، مظلومیت و غریب بودن امام علیه السلام را در اجتماع عصرش می‌رساند. به عبارت دیگر امام باقر علیه السلام به غربت خویش در آن روز مدینه می‌پردازد که بهتر است انسان بر این همه دردی که در گفتار امام علیه السلام نهفته است، سرشک خون ببارد.

ب. سفارش پنج‌گانه در برخورد با مردم

امام باقر علیه السلام، برای چگونگی برخورد با رفتارهای گوناگون مردم، یک الگوی پنج وجهی ارائه می‌فرماید که باعث استواری و پایداری فرد در برابر اجتماع است. آن حضرت علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَوْصِيكَ بِخَمْسٍ إِنْ ظَلِمْتَ فَلَا تَظْلِمَ
وَإِنْ خَانُوكَ فَلَا تَخُنْ وَإِنْ كَذَّبَتْكَ فَلَا
تَغْضَبُ وَإِنْ مُدِحَّتْكَ فَلَا تَفْرَحْ وَإِنْ ذُمِّمْتَ
فَلَا تَجْزَعُ؛^۱ [ای جابرا!] تو را [در

۱. تحف العقول، ص ۲۹۲.

ثوابی است که بی رنج و زحمت به دست آورده‌ای.»

نکته‌هایی که می‌توان از این بخش از گفتار نورانی امام آموخت:

۱. برخورد متفکرانه و اندیشمندانه در گفتار و رفتار مردم؛

۲. سقوط از چشم بینای الهی، مصیبت‌بارتر و سخت‌تر از سقوط از چشم مردم است؛

۳. بی‌توجهی مردان الهی به گفته‌های نادرست مردم، که ره‌آوردی جز ثواب ندارد؛

۴. معیار سنجش باید خداوند باشد، نه مردم؛

۵. در جوامع خدا محور و معنویت مدار، شایعات انسان را از پای در نیآورده و ناامید نمی‌کند.

د. دوستی اهل بیت علیهم السلام بر محور قرآن

«وَفَكَّرْ فِيمَا قِيلَ فَبِكَ فَبَانَ عَرَفْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا قِيلَ فَبِكَ فَسَقُوطِكَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ عِنْدَ غَضَبِكَ مِنَ الْحَقِّ أَكْثَمُ عَلَيْكَ مُصِيبَةً مِمَّا خِفْتَ مِنْ سَقُوطِكَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ وَإِنْ كُنْتَ عَلَى خِلَافِ مَا قِيلَ فَبِكَ فَثَوَابٌ اِكْتَسَبْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَعَبَّ بَدْتُكَ؛^۱ در آنچه درباره تو گفته می‌شود، اندیشه کن! اگر آنچه درباره‌ات گفته شده، در خود دیدی، (یعنی سخن مردم صحت داشت)، بدان که سقوط تو از چشم بینای خدای عزوجل در هنگامی که از حق خشمگین شدی مصیبتی بزرگ‌تر است برایت، در مقایسه با اینکه [بیم داری] از چشم مردم بیفتی و اگر بر خلاف آنچه درباره تو گفته‌اند، بودی، این (کار مردم و اهل شایعه) خود

امام علیه السلام به واسطه اهمیت تأثیرگذاری اجتماع بر افراد جامعه و

۱. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۱۶۲.

امام علیه السلام در ادامه می‌فرماید:

«وَلَكِنْ اغْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ، فَإِنْ كُنْتَ سَالِكاً سَبِيلَهُ زَاهِداً فِي تَزْهِيدِهِ، رَاغِباً فِي تَرْغِيْبِهِ خَائِفاً مِنْ تَخْوِيفِهِ، فَانْتَبِتْ وَابْشِرْ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكَ مَا قِيلَ فِيكَ، وَإِنْ كُنْتَ مُبَايِناً لِلْقُرْآنِ فَمَا ذَا الَّذِي يَغُرُّكَ مِنْ نَفْسِكَ؟^۲ ولی خود را به قرآن عرضه کن، اگر به راه قرآن می‌روی و آنچه را که قرآن نخواست، نمی‌خواهی، و آنچه را که قرآن خواسته است، می‌خواهی، و از آنچه که بیم داده است، می‌ترسی، برجسا و پایدار باش و مژدهات باد که هر چه درباره تو گویند، به تویزسانی نمی‌رساند؛ ولی اگر از قرآن جدایی (و به راه قرآن نمی‌روی پس چه چیزی سبب می‌شود که به خودت مغرور شوی؟»

بر اساس این روایت نورانی، معیار راستی و ناراستی رفتار انسان، قرآن

لزوم تصحیح این گونه تأثیرگذارها، معیار دیگری را نیز مطرح می‌فرماید که بسیار دارای اهمیت است. امام باقر علیه السلام، در این بخش از گفتار نورانی خویش، ابتدا به لزوم پایداری در مقابل دشمنان اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده، سپس معیار و میزان قرار دادن قرآن را برای سنجش رفتار مردم، از نشانه‌های دوستی اهل بیت علیهم السلام شمرده است. آن حضرت می‌فرماید:

«وَاعْلَمْ بِأَنَّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّىٰ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ مِصْرِكَ وَقَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوِيٌّ لَمْ يَخْزُنْكَ ذَلِكَ وَلَوْ قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَمْ يَسْرُكْ ذَلِكَ؛^۱ بدان که دوست ما شمرده نشوی تا چنان (محکم) شوی که، اگر همه همشهریان گرد آیند و گویند تو مرد بدی هستی، مایه اندوه تو نشود، و اگر همه گویند تو مرد خوبی هستی، شادت نکند.»

۱. تحف العقول، ص ۲۹۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۲.

است تا بر هوای نفس خود غلبه کند. یک بار نفس را از کجی به راستی آورد و با خواهش او، برای خدا مخالفت کند، و بار دیگر، هم نفس او را به زمین زند و پیرو هوس او شود و خدایش دست او را بگیرد و از جا بلند کند و از لغزش او بگذرد و متذکر شود و به توبه کردن و ترسیدن از خدا گراید و معرفت و بینایی اش را بیفزاید، برای اینکه ترسش افزوده است. این گونه است که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: به راستی، کسانی که تقوا دارند، هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتد، و ناگهان بینا می‌گردند.»

نکته‌ها

در این بخش از وصایای امام باقر علیه السلام، نکات گویباری نهفته است که برای علاقه‌مندان به سلوک الی الله بسیار مغتنم است:

۱. مؤمن، کسی است که اهتمام تام بر مجاهده با نفس دارد؛

است. و بر پایه همین گفتار، آن حضرت، معیار دوستی اهل بیت علیهم السلام را نیز به میزان همراهی و همگرایی با قرآن معرفی می‌کند.

هـ. جهاد با نفس، نشانه مؤمن

امام باقر علیه السلام در ادامه وصایای خود یکی از نشانه‌های هر فرد مؤمن را جهاد با نفس می‌داند و می‌فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَعْنَىٰ مُجَاهِدَةَ نَفْسِهِ، لِيُغْلِبَهَا عَلَىٰ هَوَاهَا فَمَرَّةٌ يُقِيمُ أَوْدَهَا وَ يُخَالِفُ هَوَاهَا فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ مَرَّةٌ تَصْرَعُهُ نَفْسُهُ فَيَتَّبِعُ هَوَاهَا فَيَنْعَشُهُ اللَّهُ فَيَنْتَعِشُ وَ يَقِيلُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَيَتَذَكَّرُ وَ يَفْرُغُ إِلَى التَّوْبَةِ وَ الْمَخَافَةِ، فَيَزِدَادُ بَصِيرَةً وَ مَعْرِفَةً لِمَا زِيدَ فِيهِ مِنَ الْخَوْفِ، وَ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛^۱ به راستی، مؤمن، سخت متوجه جهاد با خود

۱. مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری، مؤسسه آل البيت، چاپ سوم، ۱۴۱۱ ق، ج ۱۱، ص ۱۴۲.

۲. اعراف/۲۰.

۱. یقظه و بیداری؛
یعنی سالک بدانند و بخواهد که
باید سیر الی الله و مجاهده کند.
 ۲. مجاهده؛
 ۳. تذکر (یا حضور) و توجه؛
 ۴. توبه؛
 ۵. خوف؛
 ۶. بصیرت؛^۱
 ۷. معرفت.
- سالک، ناگزیر است که با طی
مراحل فوق، مقیم مقام ایمان و
متصف به اسم مؤمن شود.
۲. هدف مجاهده، آن است که
سالک بتواند با پیروزی بر نفس
خویش خداگرا شود؛
 ۳. در تمام مراحل سلوک، خداوند
با سالک همراه است و در صورت
لزوم از وی دستگیری می‌کند؛
 ۴. سالک نباید در مسیر مجاهده،
ترس از شکست داشته باشد؛ بلکه
شکست، مقدمه پیروزیهای بعدی
است. سالک در سایه شکست و تذکر
است که می‌تواند، در وادی توبه قدم
ببندد؛
 ۵. توبه باید با خوف الهی همراه
شود؛

۶. رمز پیروزی باتقویان و سالکان
در مصاف با شیاطین، حضور و تذکر
است و ره‌آورد این مجاهده، بصیرت
و توجه تام است؛

۹. امام باقر علیه السلام در این بخش از
روایت، مراحل را برای سالک الی الله
در سیر و سلوک بیان می‌فرماید که آن
را برای استفاده بیشتر می‌توان در
هفت مرحله ذیل جای داد:

۱. برای آشنایی بیشتر درباره این اصطلاحات و
مقامات در سیر و سلوک می‌توان به آثاری چون
منازل السائرین و قوت القلوب ابوطالب مکی و
مقامات معنوی استاد محسن بینا و ... رجوع کرد؛
مثلاً درباره یقظه و بیداری به منازل السائرین،
ص ۳۴، تذکر، ص ۶۹، توبه، ص ۴۱، خوف،
ص ۱۰۶ و بصیرت، ص ۳۳۶ رجوع کرد. ر.ک:
منازل السائرین، ملا عبدالرزاق قاسانی، تصحیح
محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، چاپ اول،
۱۳۷۲ ش.